

بررسی عوامل مؤثر بر احساس امنیت اجتماعی زنان (فرا تحلیلی از تحقیقات موجود)^۱

سید احمد میرمحمدتبار

دانشجوی دکتری جامعه‌شناسی، دانشگاه فردوسی مشهد

علی اکبر مجدی*

استادیار گروه علوم اجتماعی، دانشگاه فردوسی مشهد

لیلی بنیاد

دانشجوی دکتری جامعه‌شناسی، دانشگاه یزد

چکیده

مقوله امنیت، به خصوص در حوزه زنان، از مسائل مهم هر کشوری است. با توجه به اهمیت موضوع احساس امنیت اجتماعی زنان، پژوهش‌های زیادی در چند دهه اخیر در این باره انجام شده است. تعدد و تنوع تحقیقات انجام شده و نتایج متناقض حاصل از آن‌ها و نداشتن یافته واحد از یک سو، ممکن است، این تصور را ایجاد کند که اجرای این تحقیقات بهبود و موجب اتلاف هزینه می‌شود. بنابراین، نیاز به اجرای تحقیقات ترکیبی مثل فراتحلیل برای جمع‌بندی و خلاصه کردن نتایج این تحقیقات در این حوزه احساس می‌شود. اصلی‌ترین سؤال این تحقیق این است که مهم‌ترین عوامل مؤثر بر احساس امنیت اجتماعی زنان در تحقیقات انجام شده در ایران کدام هستند؟ روش پژوهش فراتحلیل بود و جامعه آماری همه مقالات معتبر علمی بودند که در سال‌های ۱۳۸۰ تا ۱۳۹۳ با موضوع احساس امنیت اجتماعی زنان منتشر شده بود. در نهایت ۳۳ مقاله انتخاب و با نرم‌افزار جامع فراتحلیل، تجزیه و تحلیل شدند. یافته‌های پژوهش نشان داد که استفاده از رسانه‌های جمعی، دینداری و حجاب و پوشش مناسب، به نسبت سایر متغیرها، تأثیر بیشتری بر احساس امنیت اجتماعی زنان در ایران دارد. نتایج اندازه اثر نشان داد که رابطه استفاده از رسانه‌های جمعی و احساس امنیت اجتماعی زنان، در مطالعات مرور شده معادل

۱. این مقاله برگرفته از طرح پژوهشی با همین عنوان بود که با تصویب و حمایت دانشگاه فردوسی مشهد اجرا شده است.

*نویسنده مسئول

تاریخ دریافت: ۱۳۹۵/۱/۱۸

تاریخ تصویب: ۱۳۹۵/۱۲/۲۳

۰/۴۷ مثبت و معنادار است. رابطه دینداری و احساس امنیت اجتماعی زنان، در مطالعات بررسی شده معادل ۰/۳۹ مثبت و معنادار است. نتایج اثرات ترکیبی نشان می‌دهد که رابطه حجاب و پوشش مناسب و احساس امنیت اجتماعی زنان در مطالعات مرور شده حدود ۰/۳۸، مثبت و معنادار بود.

واژگان کلیدی

زنان؛ امنیت اجتماعی؛ استفاده از رسانه‌های جمعی؛ دینداری؛ فراتحلیل

مقدمه

وجود احساس امنیت اجتماعی در هر جامعه، بزرگ‌ترین نیاز اساسی آن جامعه به شمار می‌رود. امنیت اجتماعی به فقدان هراس از اینکه به ارزش‌های انسانی حمله شود یا به مخاطره بیفتد و به نبود هراس و بیم نسبت به حقوق و آزادی‌های مشروع برمی‌گردد. (مولر، ۲۰۰۰). امنیت مصونیت از تعرض و تصرف اجباری بدون رضایت است و همان‌طور که درباره افراد گفته شد، به معنی آن است که مردم هراس و بیمی نسبت به حقوق و آزادی‌های مشروع خود نداشته و به هیچ‌وجه حقوق آن‌ها به مخاطره نیفتد و هیچ عاملی حقوق مشروع آن‌ها را تهدید نکند. در بستر واژگانی، امنیت در خود حامل معانی اطمینان، فقدان خوف و در امان بودن و نهراسیدن است؛ یعنی از احساس امنیت (حالات و موقعیت‌های ذهنی) تا ایمنی و اطمینان خارجی (موقعیت‌های عینی و بیرونی) در این واژه نهفته است. بدیهی است امنیت ذهنی و عینی از بُعد فردی به امنیت اجتماعی وابسته است و امنیت در این حالت ابعادی چون امنیت شغلی، اقتصادی، سیاسی، فرهنگی، قضایی و جانی را هم در بر می‌گیرد (نجات و یآوری، ۱۳۸۸: ۱۲۶).

امنیت از نیازها و انگیزه‌های اساسی انسان به شمار می‌رود، به طوری که با زوال آن آرامش خاطر انسان از بین می‌رود و تشویش، اضطراب و ناآرامی جای آن را می‌گیرد و مرتفع شدن بسیاری از نیازهای آدمی در گرو تأمین امنیت است. مازلو در سلسله‌مراتب نیازها، احساس امنیت را بلافاصله پس از ارضای نیازهای اولیه قرار می‌دهد. امنیت در بسیاری از متون علمی مبنایی برای توسعه و پیشرفت محسوب شده و منشاء توسعه قلمداد می‌شود (کاهه، ۱۳۸۴). در جوامع امروزی نیز، نکته مهم حفظ نظم و امنیت برای ایجاد فضایی مناسب برای زندگی است. بی‌نظمی در ابعاد فیزیکی و اجتماعی می‌تواند سبب مجموعه گوناگونی از بیماری‌های

اجتماعی شود و در این میان برای ایجاد نظم و حفظ امنیت جامعه نقش تعدیل‌کننده‌ای را ایفا می‌کند. بنابراین، هر آن چیزی که این نظم را برهم زند سبب ایجاد ناامنی می‌شود و جامعه را از نقش خود باز می‌دارد (لهسایی‌زاده و همکاران، ۱۳۹۲: ۲).

در سال‌های اخیر، در تمام دنیا، به مقوله امنیت اجتماعی، توجه جدی‌تری شده است. این مسأله برای جامعه ایران نیز اهمیت ویژه‌ای دارد. وجود امنیت اجتماعی از شاخصه‌های کیفی زندگی در جوامع است. فقدان احساس امنیت اجتماعی در یک جامعه می‌تواند تبعات فراوانی داشته باشد. فقدان اعتماد یا احساس نگرانی نسبت به مسائل مختلف، سبب رفتارهای خاصی چون کناره‌گیری می‌شود. مردم اگر بتوانند مناطق ناامن را ترک می‌کنند، خود را از خیابان‌ها دور نگه می‌دارند، از محلات خاصی دوری می‌جویند و فعالیت‌های عادی و ارتباط خود را محدود می‌کنند. همان‌گونه که به‌طور فیزیکی کناره‌گیری می‌کنند، از نقش‌های حمایت متقابل با همشهریان خود نیز کناره می‌گیرند و بدین‌سان کنترل‌های اجتماعی را رها می‌کنند که در گذشته به حفظ مدنیت در اجتماع محلی کمک می‌کرد (گیدنز، ۱۳۸۶).

احساس امنیت در گروه‌های اجتماعی مختلف، حدت و گستره متفاوتی دارد. زنان به دلیل وجود تبعیض‌های جنسیتی که در جامعه نسبت به آن‌ها وجود دارد، بیشتر در معرض احساس ناامنی قرار دارند. چراکه احساس امنیت اجتماعی زمانی دوام خواهد یافت که افراد جامعه با بهره‌مندی از امکاناتی برابر که در سایه جامعه فراهم می‌شود، به آرامش خاطر رسیده و احساس خشنودی و رضایت از داشتن عضویت در چنین جامعه‌ای را پیدا کنند. درحالی‌که در جامعه ما بعضاً به دلیل وجود تبعیضات جنسیتی زنان در حاشیه قرار گرفته و در زمینه استفاده از امکانات مادی چون امکانات شغلی و امکانات معنوی چون آزادی، عدالت و... از عدالت کم‌تری بهره می‌برند. لذا حاشیه‌ای شدن زنان در جامعه و استفاده نکردن آن‌ها از امکانات و فرصت‌ها نسبت به مردان، سبب تشدید احساس ناامنی آن‌ها در جامعه می‌شود. بنابراین، به نظر می‌رسد تهدید احساس امنیت اجتماعی زنان تحت تأثیر نابرابری‌های ساختاری و تبعیضات گوناگون است که در جامعه وجود دارد و چون انواع نابرابری‌های فرهنگی و ساختاری در جامعه وجود دارد، می‌توان سعی در شناسایی انواع تهدیداتی کرد که احساس امنیت اجتماعی زنان را به خطر می‌اندازد (جمالی و شایگان، ۱۳۹۰: ۹۶).

زنان نیمی از افراد جامعه را تشکیل می‌دهند و در حقیقت قسمت بزرگی از نیروی کار و

فعال اجتماع به شمار می‌آیند. بنابراین، ضرورت دارد تا شرایطی ایجاد شود که بتوانند در آن به راحتی فعالیت کنند و در آن احساس امنیت داشته باشند. آنچه این ضرورت را دوچندان می‌کند این است که فقدان احساس امنیت زنان در واقع به مفهوم تهدید ارزش نقش مادری، همسری و گاهی سرپرستی یک خانواده است و مصون ماندن از هر آسیب و تجاوزی که زن و حریم زنان را از لحاظ جسمی و روحی تهدید کند، متعاقباً به نسل‌های بعدی منتقل خواهد شد. به همین دلیل باید سعی شود عواملی که در جهت افزایش احساس امنیت زنان برای حضور بیشتر و فعال‌تر در جامعه تأثیرگذار هستند، شناسایی و تقویت شوند.

در طی چند دهه گذشته، به دلایل متعددی میزان توجه به احساس امنیت اجتماعی زنان در جامعه ایران بیشتر شده است. این خود به تزايد میزان تحقیقات علمی در حوزه احساس امنیت اجتماعی زنان در چند دهه گذشته در کشور منجر شد، به طوری که جامعه علمی با اطلاعات وسیع و انباشته‌ای در باب ابعاد سبب‌شناختی مواجه شده است. در این حوزه به دلیل تعدد تحقیقات موجود و تکرار عوامل مؤثر بر احساس امنیت اجتماعی زنان، یک آشفتگی و ابهام درباره عامل یا عوامل مهم مؤثر بر احساس امنیت اجتماعی زنان در کشور وجود دارد. لذا در این پژوهش سعی شده با بررسی دقیق و موشکافانه تحقیقات انجام شده در این زمینه، چکیده و ماحصل آن‌ها به صورت نظام‌مند نشان داده شود تا یک نتیجه‌گیری کلی از عوامل مؤثر بر احساس امنیت اجتماعی زنان در اختیار برنامه‌ریزان این حوزه قرار گیرد. در پژوهش حاضر با استفاده از اصول و قواعد روش فراتحلیل، این روش در خصوص تحقیقات انجام شده در حوزه احساس امنیت اجتماعی زنان به کار برده شد و و تلاش شد تا به این سؤال پاسخ داده شود که «در تحقیقات انجام شده در حوزه امنیت اجتماعی، چه عواملی بیشترین تأثیر را بر احساس امنیت اجتماعی زنان در ایران دارند؟»

کوپر^۱ (۲۰۰۹) در بررسی مراحل اجرای فراتحلیل، اشاره می‌کند که در قسمت پیشینه تحقیق بیشتر به نظریات و تحقیقاتی اشاره شود که رابطه بین متغیرهای مستقل بر متغیر وابسته مورد بررسی در فراتحلیل را نشان دهند تا خواننده در ابتدا درکی کلی از مهم‌ترین نظریات موجود در این حوزه پیدا کند. در همین راستا، در این قسمت از تحقیق حاضر، ابتدا تعریفی از احساس امنیت اجتماعی ارائه شد و به چند نظریه مهم در نظریه احساس امنیت اجتماعی اشاره شد.

امنیت از ریشه لاتین «Securus» است که در لغت به معنای «نداشتن دلهره و دغدغه» است. بنابراین، معنای لغوی امنیت، رهایی از تشویش، اضطراب، ترس یا احساس آرامش و اطمینان خاطر است. فرهنگ لغت لاروس امنیت را چنین تعریف می‌کند: «اعتماد، آرامش روحی و روانی است. تفکری که بر اساس آن خطر، ترس، وحشت و خسران بی معنا می‌شود؛ فقدان مخاطرات.» (نصری، ۱۳۸۱: ۱۱۴).

امنیت و مباحث پیرامون آن، قدمت چندانی ندارد و علل متفاوتی در این باره گفته شده است، دلایل بی‌توجهی به مفهوم امنیت هر چه باشد، واقعیت آن است که کمبود ملاحظه‌پذیری از نظرات و اندیشه‌های جامعه‌شناسانه درباره امنیت مشاهده می‌شود؛ از سوی دیگر جامعه‌شناسی امنیت نیز که سازوکارهای ایجاد و گسترش امنیت در زمینه اجتماعی و در بین نهادها و گروه‌ها بررسی می‌کند، هنوز در مراحل ابتدایی است و اگرچه قصد دارد که روابط متقابل میان امنیت و جامعه را بررسی کند، به جهت نبود الگوهای مستقل هنوز نتوانسته است، اعلام استقلال خویش را به اثبات برساند (نویدینیا، ۱۳۸۸). مفهوم امنیت اجتماعی و احساس ناشی از آن در پی توسعه تحلیل‌های جدید امنیتی پس از جنگ سرد در اروپا مطرح شد، این مفهوم نخست به‌عنوان یک رویکرد مفهومی به‌وسیله گروه مستقلی از محققان در مؤسسه صلح کپنهاگ توسعه یافته و بعد به‌صورت توان یک جامعه برای حفاظت از هویت گروهی‌شان در برابر تهدیدات واقعی یا فرضی تعریف شده است (ویور، ۲۰۰۰: ۵).

بخش عمده‌ای از ادبیات کلاسیک بر این مسأله تمرکز می‌کند که امنیت به‌وسیله دولت‌ها ساخته می‌شود. بر اثر نقد رویکردهای کلاسیک (ایدئالیسم و رئالیسم)، رویکردها و نظریه‌های مدرن در حوزه امنیت پژوهی ظهور کردند، اندیشه‌های انتقادی به‌ویژه به فقدان کفایت فرض‌های مطالعات کلاسیک مربوط بود و بیش از همه به‌جایگاه برتر رئالیسم و ایدئالیسم حمله برد و بر لزوم مطالعات جایگزین در عرصه امنیت پژوهی تأکید کرد (بیلیگین^۲ و همکاران، ۱۹۹۸: ۱۵۲).

همان‌طور که پیشتر ذکر شد، بیشتر جامعه‌شناسان به‌گونه‌ای مستقیم به بحث امنیت توجه نکرده‌اند، اما در لابه‌لای نظریات آن‌ها می‌توان نظریات پیرامون امنیت را استنتاج کرد:

1. Wearver
2. Bilgin

نظریات کلاسیک در باب امنیت:

نظر کنت: رابطه نظم و امنیت را نخستین بار از یک دیدگاه جامعه‌شناسانه، کنت بررسی کرد. کنت بر این نکته تأکید کرد که جامعه به وجود نمی‌آید، مگر اینکه اعضای آن باورهای واحدی را داشته باشند. بدین‌سان جامعه نیز مانند هر پدیده طبیعی، تابع قوانین تغییرناپذیر است، درصحنه زندگی اجتماعی همواره مجموعه‌ای از اصول و قواعد وجود دارد که باعث می‌شود که عقل افراد با توافق یک‌صدا، از افکاری تبعیت کنند که به آیین مشترک منجر می‌شود و با این هماهنگی بین ذهن‌ها نظم اجتماعی استقرار می‌یابد. از دیدگاه او امنیت فکری وجهی از امنیت اجتماعی است، زیرا جامعه برای دستیابی به نظم اجتماعی پایدار نیازمند تبادل افکار و باورها در شرایط آرام و بدون هراس است، مصونیت اندیشه‌ها و افکار از خطرات و تهدیداتی چون سانسور، شرایط را برای امتزاج و توافق اذهان فراهم کرده و برای ایجاد نظم جدید بر مبنای اجتماع جدید در روندی طبیعی و نظم اجتماعی، که ضامن امنیت است، بستر لازم را فراهم کند (نویدنیا، ۱۳۸۶).

نظر دورکیم: او از نابسامانی اجتماعی بیزار و هراسان بود و معتقد بود که می‌توان نابسامانی اجتماعی را با اصلاحات اجتماعی کاهش داد. در واقع دورکیم به دنبال آن بود که علت این نابسامانی‌های اجتماعی را شناسایی کرده و برای خروج از آن‌ها راه‌حلی بیابد. همچنین دورکیم همبستگی اجتماعی را عامل حفظ و بقای جامعه می‌داند که نظم اجتماعی را به همراه دارد که خود معلول اشتراک اخلاقی و اخلاقیات مشترک است. پس از نظر دورکیم مبنای نظم جامعه (امنیت اجتماعی) عامل اخلاقی است نه سیاسی یا اقتصادی. بر این اساس دورکیم معتقد است، در جوامع سازمان‌یافته‌ای که بر اصول و قواعد اخلاقی مبتنی باشند، نظم اجتماعی نیز حاکم خواهد بود. به همین جهت در جوامع ابتدایی که دارای همبستگی مکانیکی هستند و اخلاقیات مشترک وجود دارد، نظم اجتماعی نیز به شدت حاکم است و هرگونه تخلفی به شدت محکوم می‌شود، اما با پیچیده‌تر شدن جوامع، وجدان جمعی کاهش می‌یابد (نوروزی و فولادی سپهر، ۱۳۸۸: ۵۹).

نظر وبر: او نسبت به دنیای مدرن (دنیای عقلانی‌شده) نظر خوبی نداشت و باور داشت که دنیای مدرن در نتیجه عقلانی شدن، برای افراد به قفس آهنینی تبدیل شده است که راه‌گریزی از آن وجود ندارد. دنیای جدید شرایط زندگی افراد را روز به روز در ساختارهای خود محدود

می‌کند تا تمایلات انسانی در درون جامعه شکل گیرد و افراد با سکونت در موقعیت‌های اجتماعی، خواهش‌های متداول متناسب را در ضمیر خود وارد کنند. درباره پایگاه اجتماعی افراد آنچه مورد نظر است دوری یا نزدیکی افراد مورد نظر نسبت به ارزش‌های حاکم در آن جامعه است. میزان تحصیلات، اصل و نسب و موقعیت شغلی گاه برای ارزیابی پایگاه اجتماعی افراد به کار می‌روند. پایگاه اجتماعی که تعیین‌کننده حقوق و وظایف انسان‌ها و گروه‌های اجتماعی است، به وسیله پایه‌هایی چون آموزش، ثروت، درآمد، خانواده و... تشکیل می‌شود. امروزه جوامع جدید با تعدد وظایف و نقش‌ها لزوم تعدد پایگاه‌ها را فراهم می‌کنند تا جایی که جامعه‌شناسان بحث تنوع و تعارض پایگاه‌ها را به میان می‌آورند (ساروخانی، ۱۳۸۰).

نظریه مازلو: بر اساس نظریه نیاز انسانی آبراهام مازلو که یک رده‌بندی از نیازهای انسانی ارائه می‌دهد، امنیت را پس از نیازهای زیستی یا فیزیولوژیک، دومین نیاز اساسی و پایه‌ای انسان می‌داند که اگر و تا زمانی که این نیاز بنا به دلایل گوناگون به اندازه و به صورت رضایت‌بخش برآورده نشود، نیازهای بعدی را که بیشتر حالتی انسانی دارند، دچار اختلال می‌کند (مکلود، ۲۰۱۴). به عبارتی بر اساس این نظریه نیازهای جسمی، فکری و روحی افراد و گروه‌ها باید تأمین شود، در غیر این صورت بقا و بهزیستی افراد و جوامع به خطر خواهد افتاد. در اینجا افراد و گروه‌ها واحد تحلیل هستند و از راه آن چارچوبی فراهم می‌شود که نیازهای انسانی تأمین شود و در درون ارزش‌ها، هنجارها و منافع و قدرت متبلور شوند (باروز، ۱۹۹۶).

رویکرد دولت‌محور به امنیت اجتماعی:

مطابق این رویکرد امنیت را می‌توان وضعیتی تصور کرد که توسط قدرت برای صیانت مردم در قبال تهدیدات بیرونی، ایجاد می‌شود. مسئولیت برقراری چنین امنیتی به‌طور کلی بر عهده دولت است. در واقع دولت با دو روش مستقیم (مانند پلیس و دستگاه‌های قضایی) و غیرمستقیم (خانواده‌ها و عمدتاً از طریق آموزش و پرورش) امنیت اجتماعی را در جامعه برقرار می‌کند. بنابراین، چنین به نظر می‌رسد که بین قدرت دولت و برقراری امنیت اجتماعی رابطه

1. Mcleod
2. Burrowes

معناداری وجود دارد و بر این اساس می‌توان خاطر نشان کرد که هر چه قدرت دولت بیشتر باشد، بهتر می‌تواند امنیت را در جامعه برقرار کند. به عبارت دیگر دولت مهم‌ترین منبع تحقق احساس امنیت اجتماعی برای افراد جامعه است (اسماعیلی و احمدی، ۱۳۸۸: ۱۷۲)

در همین راستا باید خاطر نشان کرد که رویکردهای دولت محور مبتنی بر تفکرات توماس هابز است. هابز معتقد است که بشر در وضع طبیعی یعنی در صورت نبودن قوانین و مقررات اجتماعی و قیودات در جامعه تابع شهوات و خودخواهی‌های خود می‌شود و برای رسیدن به اهداف خود ممکن است حتی به نابودی هموعان خود مبادرت ورزد (قدرتی و همکاران، ۱۳۸۸: ۸). حاصل چنین چیزی ناامنی در جامعه است که رابطه بلافصلی با بی‌نظمی اجتماعی دارد. از نظر هابز امنیت برای انسان چنان اهمیتی دارد که حاضر است به خاطر آن حتی آزادی و برابری را از دست بدهد (هریسون، ۱۹۹۳). به عبارتی از دید هابز انسان برای گریز از وضعیت آزاردهنده طبیعی که در آن جنگ همه علیه همه برقرار است، ناچار به یک قرارداد اجتماعی متوسل می‌شود که بر اساس آن قدرت کنترل بر انسان‌ها و فزون‌خواهی آن‌ها به شکل یک دولت واگذار کرده تا در عوض دولت هدیه ارزشمند و گران‌بهای امنیت را برای آن‌ها به ارمغان آورد

رویکرد هویت محور به امنیت اجتماعی:

به اعتقاد اندیشمندان رویکرد هویت محور، اگر در گذشته مرجع امنیت را دولت‌ها می‌دانستیم، اکنون باید مرجع امنیت را جامعه بدانیم و اگر در گذشته امنیت خود را در پرتو یگانگی و آرامش جستجو می‌کردیم، امروزه باید مفاهیمی نظیر تغییر، کثرت و بحران را وارد آحاد تعریفی امنیت بدانیم. اگر در گذشته به امنیت به عنوان یک پروژه حکومتی می‌نگریستیم، اکنون باید به آن به عنوان یک پروسه اجتماعی بنگریم (تاجیک، ۱۳۸۴: ۷۶).

بسیاری از اندیشمندان این حوزه، هویت اجتماعی را پایه و اساس امنیت اجتماعی تلقی کرده و معتقد هستند که به موازات تقویت ضریب هویت اجتماعی، امنیت اجتماعی نیز قوام بیشتری می‌یابد و عکس آن اثر منفی در میزان امنیت اجتماعی دارد (زمانی، ۱۳۸۶: ۷۹). از آن جمله، بوزان امنیت اجتماعی را به حفظ مجموعه ویژگی‌هایی ارجاع می‌دهد که بر مبنای آن

افراد خود را عضو یک گروه اجتماعی قلمداد می‌کنند؛ به بیان دیگر امنیت اجتماعی به جنبه‌هایی از زندگی فرد معطوف می‌شود که هویت گروهی او را سامان می‌بخشند. از دیدگاه بوزان امنیت اجتماعی عبارت است از توانایی گروه‌های مختلف صنفی، قومی، محلی، جنسی و... در حفظ هستی و هویت خود (ترابی و گودرزی، ۱۳۸۲: ۳۷۶).

ویور، یکی دیگر از نظریه‌پردازان این حوزه، بر ارتباط نزدیک بین هویت، جامعه و امنیت تأکید دارد و خاطر نشان می‌کند که جامعه، امنیت هویتش را جستجو می‌کند؛ به طوری که باید قادر به حل اختلالات هویتی باشد و اعضای آن نمی‌توانند نسبت به چیزهایی که هویتشان را تهدید می‌کند، احساس مسئولیت نداشته و آن‌ها را تنها به دولت واگذار کنند. او معتقد است تئوری امنیت اجتماعی، بر هویت‌های جمعی در مقیاس بزرگ مانند هویت‌های مذهبی و هویت‌های قومی متمرکز است که کارآیی و وظایفی مستقل از دولت دارند. ویور هویت را به عنوان مفهوم صریح امنیت اجتماعی قلمداد کرده و معتقد است، زمانی امنیت اجتماعی مطرح می‌شود که جامعه تهدیداتی نسبت به هویتش احساس کند (نویدینیا، ۱۳۸۲: ۶۲). در واقع بوزان و ویور امنیت را حالت فراغت از تهدید هویت اجتماعی و گروهی تلقی می‌کنند. این مباحث ناظر بر تقدم قوام یا زوال هویت اجتماعی بر ارتقاء یا کاهش امنیت اجتماعی است، بدین معنا که تهدیدات هویتی را می‌توان با تقویت فرهنگ و هویت پاسخ داد (حبی، ۱۳۸۸).

رسانه و امنیت اجتماعی

رسانه‌های جمعی از موارد دیگری هستند که در بهینه کار کردن جوامع معاصر نقش کلیدی دارد. اطلاع‌رسانی و آگاهی بخشی از کارکردهای اصلی و اساسی رسانه‌ها هستند، رسانه‌ها از طریق فراهم کردن اخبار درباره رویدادهای گوناگون اطلاعات زیادی را در اختیار مردم قرار می‌دهند و این اطلاعات مبنای ارزیابی و آگاهی آن‌ها از مسائل موجود در محیط زندگی‌شان می‌شود. گرینر معتقد است که تأثیرپذیری انسان‌ها از رسانه‌ها مخصوصاً تلویزیون بسیار زیاد است و در بسیاری از موارد، انسان‌ها تلویزیون را آینه منعکس‌کننده مسائل جامعه خود می‌دانند و هر چه موارد جرم و جنایتی که از تلویزیون پخش می‌شود در محیط زندگی واقعی تماشاگر اتفاق بیفتد، ناامنی آن‌ها بیشتر می‌شود (گرینر، ۱۹۹۴: ۲۷).

گیدنز، امنیت هستی‌شناسانه در سطح فردی را به صورت نیاز اساسی و اولیه افراد تعریف

می‌کند. او در نظریه ساخت‌یابی و نظریه مدرنیته ادعا می‌کند که رفتار انسان همیشه در معرض یک انگیزه پر قدرت ناخودآگاهانه یعنی نیاز به تأمین امنیت وجودی است: «امنیت وجودی به وضعیت ذهنی راحت و مناسبی اشاره دارد که فرد در آن به فعالیت‌های بدیهی در محیطی آشنا به همراه افراد دیگری که تهدید برای او به وجود نمی‌آورند مشغول است» (استونز، ۱۳۹۲: ۴۳۰). امنیت وجودی یکی از صورت‌های مهم احساس امنیت به معنای وسیع آن است. این اصطلاح بیان می‌کند که بیشتر آدم‌ها به تداوم تشخیص هویت خود و نیز تداوم محیط‌های اجتماعی و مادی کنش در اطراف خود اطمینان دارند (گیدنز، ۱۳۸۷: ۱۱۰). این هویت فردی نیز به‌طور ساده از پیش داده شده نیست، بلکه باید به‌طور روزمره و عادی از طریق فعالیت‌ها و اقدام‌های واکنشی فرد تولید و حفظ شود. او معتقد است که خطر و مخاطره از پیامدهای مدرنیته است که در شرایط مدرنیته و بر اثر نیروهای عظیم پویایی مدرنیته موجب شده‌اند که برخی از صور بنیادی روابط اجتماعی اعتماد از محیط‌های محلی جدا شوند. با توجه به نظریه گیدنز، با افزایش روند جهانی شدن و قرار گرفتن فرد در روند جهانی شدن با استفاده از رسانه‌های جمعی مثل تلویزیون، ماهواره و اینترنت، امنیت اجتماعی او کاهش یابد. از طرف دیگر هم می‌توان استدلال کرد که تلویزیون با توجه به ارائه و آموزش اصول و عقایدی شبیه به اصول و عقاید سازمان‌های رسمی و غیررسمی در کشور و فاصله کم‌تر زمانی و مکانی به افراد جامعه، به افزایش احساس امنیت اجتماعی منجر شود.

دینداری و امنیت اجتماعی

دین نظامی فکری است که افراد جامعه را به وسیله آن به خودشان باز می‌کنند و روابط مبهم و در ضمن صمیمانه خود را با جامعه، از این طریق بیان می‌کنند. به نظر دورکیم دین چیزی جز نیروی جمعی جامعه بر افراد نیست، دین نه یک توهم است و نه یک چیز اساساً ساختگی. وقتی مؤمنان این اعتقاد را پیدا می‌کنند که وابسته و مطیع به یک قدرت خارجی هستند که همه چیزهای فی‌نفسه خویشان را از او دارند، درواقع فریب نخورده‌اند؛ این قدرت درواقع وجود دارد و آن همان جامعه است (مستوفی، ۱۳۹۲: ۵۹). دینداری عبارت از میزان علاقه و احترام افراد به دین است. و این لفظ زمانی به کار می‌رود که مردم یا گروهی از افراد تمام یا بخشی از تعالیم و دستورات دینی را پذیرفته باشند. دینداری یا تدین، التزام فرد به دین

مورد قبول خویش است، این التزام مجموعه‌ای از احساسات و اعمال فردی و جمعی سامان می‌پذیرد که حول (خداوند) و رابطه‌ایمانی با او دور می‌زند. دینداری و دین‌مداری مقومی است که باید به‌وضوح در محصولات جامعه اسلامی جستجو کرد (شایگان، ۱۳۹۲: ۱۸۸).

با توجه به اینکه هیچ نظریه کاملی در ارتباط با دینداری و رابطه آن با بحث امنیت مطرح نشده، به‌گونه‌ای که بتواند همه مطالب و متغیرهای مربوط را به‌طور کامل مطرح کند به نظر می‌رسد، ارائه رویکردی تبیینی مقتضی است. از نظر دورکیم دین کلیتی از اعتقادات و مناسک است و انسان مذهبی قدرتی در خود احساس می‌کند که در حالت غیرمذهبی از آن بهره‌مند نخواهد بود. به عبارتی می‌توان گفت حیات مذهبی و نیروی خاص آن به انسان این باور را می‌دهد که در نیروی مسلط بر خودش مشارکت می‌کند، نیرویی که درعین حال حمایتش کرده و او را به‌سوی خود می‌خواند. به‌این‌ترتیب افراد مذهبی بهتر می‌توانند با مشکلات زندگی مواجهه شوند. ضمناً با توجه به چهار رویکرد عمده‌ای که از دین انتظار می‌رود، مبنی بر انضباط‌بخش، انسجام‌بخش، حیات‌بخش و خوشبختی‌بخش بودن، انسان‌ها می‌توانند با کنترل بر نفس خویش و با شرکت در مراسم مذهبی و پیوند با جامعه باعث بقا و احیای میراث اجتماعی گروه و انتقال ارزش‌ها به نسل‌های بعد شوند (همان: ۱۹۱-۱۹۰).

پارسونز نیز به نقش انتقال ارزش‌ها و سپس درونی شدن آن برای اعضای جامعه تأکید دارد تا بدین‌وسیله بهتر بتوانند انتظارات یکدیگر را برآورده کنند. درواقع اگر ارزش‌های دینی انتقالی به انسان‌ها امری درونی شود، به‌گونه‌ای که با آن مأنوس شوند کم‌تر به سمت و سوی خطرات گرایش پیدا کرده و احساس امنیت بیشتری می‌کنند همچنین بنا به نظر پارسونز اگر خانواده‌ها بتوانند مانند نهاد مذهب نقش عمیق‌تری در تعلیم و تربیت دینی فرزندان‌شان ایفا کنند، احساس آرامش بیشتری خواهند داشت (امین‌بیدختی و شریفی، ۱۳۹۲).

سرمایه اجتماعی و امنیت اجتماعی

کلمن^۱ برای سرمایه اجتماعی، خصلتی ساختاری و تعاملاتی قائل است که کنشگران با عضویت در گروه و تعامل با سایر کنشگران با رعایت اصول و قواعد مورد پذیرش در آن گروه و جلب اعتماد دیگران، به اطلاعات مورد نیاز دست می‌یابند و در فرایند کنش از حمایت

جمعی بهره‌مند می‌شود. بنابراین، سرمایه اجتماعی تسهیل‌کننده کنش‌هاست. در دیدگاه کلمن سرمایه اجتماعی نوعی فرصت پدید آمده از حیات جمعی است که می‌تواند درون گروهی یا بین گروهی باشد و کنش‌های کنشگران فردی یا جمعی را تسهیل کند. کلمن با استفاده از مفهوم سرمایه اجتماعی، به دنبال شناخت نقش هنجارها و ارزش‌ها در داخل خانواده یا شبکه‌های اجتماعی بود تا از این طریق بتواند موجب تقویت سرمایه‌های انسانی شود (عبداللهی، ۱۳۸۵).

کلمن نیز با اشاره به اهمیت قواعد هنجاری و حضور آن به‌عنوان عنصر ممنوع‌کننده در داخل شبکه‌های اجتماعی در برابر انحرافات اجتماعی، این امکان را در جهت امنیت پروری در سطوح شبکه‌ای فراهم می‌کند (کلمن، ۱۹۸۸). به تعبیری، سرمایه اجتماعی نوعی ویژگی تسهیل‌کنندگی در روابط اجتماعی دارد، وجود سرمایه اجتماعی در ساختارهای اجتماعی باعث می‌شود محیطی خلق شود تا در آن امنیت بیشتری برقرار شود؛ به نحوی که انسان‌ها از آرامش بهره‌مند شده و در روابط تعاملی خود با دیگران با کم‌ترین اصطکاک تنش‌های خود را برطرف کنند (متولی، ۱۳۸۴).

روش پژوهش

فراتحلیل^۱ مجموعه‌ای از روش‌های آماری، برای ترکیب نتایج کمی از چندین مطالعه، برای تولید یک خلاصه کلی از دانش تجربی در حوزه‌ای خاص است (لیپسی و ویلسون^۲، ۲۰۰۱). این روش در حوزه‌هایی از علم استفاده می‌شود که انباشت دانش زیادی اتفاق افتاده است تا تأثیر گروهی از عوامل را بر مورد خاص یا تأثیر عامل بر عامل دیگر را در تعدادی از تحقیقات بسنجد (لیتل^۳ و همکاران، ۲۰۰۸). امروزه، فراتحلیل را به‌عنوان بخش آماری مرور نظام‌مند^۴ در نظر می‌گیرند که یک سؤال تحقیق مشخص و تعریف شده دارد و از روش‌های دقیق و منظم برای شناسایی، انتخاب و ارزیابی تحقیقات مرتبط و جمع‌آوری و تحلیل داده‌ها از تحقیقاتی استفاده می‌کنند که شامل این مرور می‌شوند.

-
1. Meta-analysis
 2. Lipsey & Wilson
 3. Littlel
 4. Systematic review

در فراتحلیل، ادبیات موضوع از منابع مکتوب، به طور نظامند مرور می‌شود تا مشخص شود که بر مبنای تحقیقات گذشته، اثر یک متغیر بر متغیر دیگر چقدر است. این روش مشابه تحقیقات مقطعی است که در آن موضوع مورد مطالعه به جای افراد، نتایج تحقیقات است. فراتحلیل یک نوع مرور ادبیات است که در آن برای تلخیص یافته‌های پژوهش‌های مختلفی که روی موضوع واحدی انجام شده است، از روش‌های کمی استفاده می‌شود. در اینجا به این نکته تأکید می‌شود که فراتحلیل فقط زمانی به کار می‌رود که مطالعات مورد بررسی کمی باشند. در فراتحلیل، ابتدا موضوع انتخاب می‌شود. سپس مسأله فرموله شده و مطالعاتی جمع‌آوری می‌شوند که با موضوع مرتبط بوده و همگی فرضیه یکسانی را بررسی کرده‌اند. مشخصه‌های مطالعات کدگذاری و استخراج شده، آماره‌ها و میانگین و سایر داده‌های آماری به اندازه‌ای تبدیل می‌شود. در نهایت، اندازه اثرها با هم ترکیب شده و اندازه اثرهای ترکیب شده، تفسیر می‌شود.

در این تحقیق ابتدا با استفاده از روش مرور نظامند، مقالات بررسی می‌شود. در مرور نظامند به موضوعاتی مانند حوزه بررسی مطالعات، روش تحقیق مقالات، جامعه آماری و متغیرهای استفاده شده در مقالات توجه می‌شود. بعد از مرور نظامند، اندازه اثر هر یک از متغیرها بررسی شد.

جامعه آماری این بررسی، کلیه مقالات با موضوع احساس امنیت اجتماعی زنان در ایران است که در مجلات معتبر علمی - پژوهشی از سال ۱۳۸۰ تا پایان سال ۱۳۹۳ چاپ شده است. شرط انتخاب مقالات هم توجه به موضوع احساس امنیت اجتماعی زنان در موضوع مقالات بود. در نهایت ۳۳ مقاله مرتبط با موضوع از مجلات معتبر انتخاب و تحلیل شدند. برای تحلیل اطلاعات جمع‌آوری شده از پژوهش‌های مورد نظر، پس از کدگذاری، از برنامه فراتحلیل جامع^۲ برای انجام دادن محاسبات آماری فراتحلیل استفاده شد، بدین ترتیب که آزمون‌های آماری استفاده شده در فرضیه‌ها، از طریق فرمول‌های ارائه شده توسط وولف^۳ تبدیل به اندازه

۱. اندازه اثر (Effect size) آماره‌ای است که اهمیت اثر آزمایشی یا شدت رابطه بین دو متغیر را منعکس می‌کند. ابتدا اندازه اثر هر مطالعه محاسبه می‌شود و سپس اندازه اثر مطالعات مختلف با هم مقایسه می‌شوند و در نهایت اندازه اثر کلی رابطه بین دو متغیر یا اثر آزمایشی در چند مطالعه محاسبه می‌شود تا درباره تأثیرگذاری آن اثر آزمایشی یا رابطه بین دو متغیر نتیجه‌گیری شود (برون‌استین و همکاران، ۲۰۰۹).

2. comprehensive meta-analysis

3. Wolf

اثر شد و با ترکیب اندازه‌های اثر به روش هانتز و اشمیت^۱ تحلیل شدند. همچنین برای تفسیر اندازه اثر از جدول کوهن^۲ بهره گرفته شد (مطابق جدول ۱).

جدول ۱: جدول توزیع طبقات اندازه اثر بر مبنای برآورد آماره‌ها (کوهن، ۱۹۷۷)

مقدار d	مقدار r	معنی اندازه اثر
کمتر از ۰/۵	کمتر از ۰/۳	اندازه اثر کم
از ۰/۵ تا ۰/۸	از ۰/۳ تا ۰/۵	اندازه اثر متوسط
بیشتر ۰/۸	بیشتر ۰/۵	اندازه اثر زیاد

یافته‌های پژوهش

نتایج پژوهش نشان داد که روش همه ۳۳ مقاله مورد بررسی، توصیفی-تحلیلی بوده است و از روش دیگری در این حوزه برای بررسی احساس امنیت اجتماعی زنان استفاده نشده است.

مرور نظامند: جدول ۲ نشان‌دهنده توزیع فراوانی و درصدی بر حسب تعداد نویسندگان در تحقیقات مرور شده در زمینه احساس امنیت اجتماعی زنان است. نتایج این جدول نشان می‌دهد که ۴۲ درصد (مورد ۱۴) از تحقیقات انجام شده مورد بررسی با دو نویسنده انجام شده است و این مقدار دارای بیشترین میزان است. بعد از آن، تحقیقات با سه نویسنده با ۲۴ درصد (مورد ۸) و یک نویسنده با ۲۱ درصد (مورد ۷) دارای بیشترین میزان هستند. تحقیقات با چهار نویسنده با ۱۳ درصد (مورد ۴) کم‌ترین میزان را به خود اختصاص داده است.

جدول ۲: توزیع فراوانی و درصدی بر حسب تعداد نویسندگان

تعداد نویسندگان	تعداد	درصد
یک نفر	۷	۲۱
دو نفر	۱۴	۴۲
سه نفر	۸	۲۴
چهار نفر	۴	۱۳
جمع کل	۳۳	۱۰۰

1. Haunter & Schmite

2. Cohen



جدول ۳ توزیع فراوانی و درصدی بر حسب جامعه مورد بررسی تحقیقات مرور شده در زمینه احساس امنیت اجتماعی زنان را نشان می‌دهد. طبق داده‌های جدول ۳، ۲۴ درصد (۸ مورد) از تحقیقات مرور شده بر روی زنان تهران تمرکز کردند که این دارای بیشترین میزان است. بعد از آن، جامعه زنان شیراز با ۱۶ درصد (۴ مورد)، رتبه بعدی را به خود اختصاص داده است. همچنین جامعه آماری زنان شیراز با ۱۳ درصد (۴ مورد) در رده بعدی قرار دارد.

جدول ۳: توزیع فراوانی و درصدی بر حسب جامعه مورد بررسی

جامعه آماری	تعداد	درصد
زنان تهران	۸	۲۴
زنان شیراز	۶	۱۸
زنان مشهد	۴	۱۳
زنان و دختران اصفهان	۳	۱۰
زنان سندج	۲	۷
دختران دانشجو	۱	۳
رانندگان زن	۱	۳
زنان یاسوج	۱	۳
زنان بجنورد	۱	۳
زنان کوهدشت	۱	۳
کارمندان زن	۱	۳
جمع کل	۳۳	۱۰۰

بر اساس یافته‌های جدول ۴، ۹۳ درصد (۳۱ مورد) از تحقیقات مرور شده در زمینه احساس امنیت اجتماعی زنان دارای مبانی نظری هستند، این در حالی است که حدود ۷ درصد (۲ مورد) تحقیقات انجام شده دارای مبانی نظری نیستند.

جدول ۴: توزیع فراوانی و درصدی بر حسب داشتن یا نداشتن مبانی نظری

مبانی نظری	تعداد	درصد
مبانی نظری	۳۱	۹۳
بدون مبانی نظری	۲	۷
جمع کل	۳۳	۱۰۰

جدول ۵ توزیع فراوانی و درصدی بر حسب متغیرهای حاضر در فرضیه تحقیقات مرور شده در زمینه احساس امنیت اجتماعی زنان را نشان می‌دهد. بر اساس فرضیات طرح شده در تحقیقات مرور شده به استخراج و طبقه‌بندی متغیرهای مرتبط با احساس امنیت اجتماعی زنان اقدام شد. این متغیرها در فرضیه‌های تحقیقات مرور شده مشتمل بر ۵۰ متغیر است. در جدول ۵ هریک از متغیرهای حاضر در فرضیه‌های تحقیقات برگزیده، برحسب تعداد و فراوانی حضور هریک در فرضیه‌ها آورده شده‌اند: همان‌طور که این جدول نشان می‌دهد با توجه به تعداد حضور متغیرها در فرضیه‌های تحقیقات برگزیده، متغیرهای استفاده از رسانه‌های جمعی و اعتماد اجتماعی با ۸ مورد بیشترین میزان را به خود اختصاص داده‌اند. بعد از آن‌ها، متغیرهای حمایت اجتماعی و دینداری با ۷ مورد، متغیر حجاب و پوشش مناسب با ۶ مورد و متغیر عملکرد پلیس با ۳ مورد بیشترین میزان را دارا هستند.

جدول ۵: توزیع فراوانی و درصدی بر حسب متغیرهای حاضر در فرضیه

ردیف	متغیرها	تعداد
۱	استفاده از رسانه‌های جمعی، اعتماد اجتماعی	۸
۲	حمایت اجتماعی، دینداری	۷
۳	حجاب و پوشش مناسب	۶
۴	عملکرد پلیس	۳
۵	نگرش مثبت به خود، مقاومت اجتماعی، تصور فرد از خود، روابط اجتماعی، سرمایه اجتماعی، تحصیلات، سلامت روانی، سن، احساس نظم اجتماعی، خصوصیات محیطی	۲
۶	بی‌دفاع شهری، وضعیت اشتغال، سلامت اجتماعی، سلامت عمومی، انسجام اجتماعی، پذیرش اجتماعی، انطباق اجتماعی، شکوفایی اجتماعی، رضایت از وضعیت ظاهری، حضور نیروی انتظامی، امکانات زندگی، انحرافات اجتماعی، پدرسالاری، عضویت در انجمن ادبی هنری، احساس محرومیت، هویت اجتماعی، مشکلات اجتماعی، مشکلات روحی، تفکیک جنسیتی	۱



جدول ۶ توزیع فراوانی و درصدی بر حسب نظریات مورد استفاده در مبانی نظری را نشان می‌دهد. بر اساس داده‌های این جدول، بیشترین میزان نظریه استفاده شده به نظریه بوزان مربوط می‌شود، به طوری که ۴۳ درصد (۱۴ مورد) از تحقیقات مرور شده در زمینه احساس امنیت اجتماعی زنان از نظریه بوزان استفاده کردند. بعد از این نظریه، نظریه گیدنز با ۲۷ درصد (۹ مورد) و نظریه ویور با ۱۸ درصد (۶ مورد) در رده‌های بعدی بیشترین نظریه استفاده شده در مطالعات مرور شده قرار دارند.

جدول ۶: توزیع فراوانی و درصدی بر حسب نظریات مورد استفاده در مبانی نظری

ردیف	نظریات	تعداد	درصد از ۳۳ مقاله	ردیف	نظریات	تعداد	درصد از ۳۳ مقاله
۱	بوزان	۱۴	۴۳	۱۱	رهیافت قدرت محور	۲	۷
۲	گیدنز	۹	۲۷	۱۲	رهیافت هویت محور	۲	۷
۳	ویور	۶	۱۸	۱۳	رهیافت آنارشوییستی	۲	۷
۴	رهیافت فمینیستی	۵	۱۵	۱۴	نیومن	۲	۷
۵	رهیافت آسیب‌پذیری	۵	۱۵	۱۵	جیکوبز	۲	۷
۶	پارسونز	۵	۱۵	۱۶	فروید و رایزمن	۲	۷
۷	دورکیم	۴	۱۳	۱۷	هیرشی	۲	۷
۸	مازلو	۳	۱۰	۱۸	کلمن	۱	۳
۹	مولار	۳	۱۰	۱۹	نظریه پنجره شکسته	۱	۳
۱۰	میتار	۲	۷	۲۰	نظریه برجسته‌سازی	۱	۳

جدول ۷ نشان‌دهنده توزیع فراوانی و درصدی راهکارهای ارائه شده در تحقیقات مرور شده در زمینه احساس امنیت اجتماعی زنان است. ۸۵ درصد از مقالات مورد بررسی در

زمینه احساس امنیت اجتماعی زنان به ارائه راهکار و پیشنهاد برای افزایش احساس امنیت زنان اقدام کرده‌اند و ۱۵ درصد در زمینه این تحقیقات، فاقد راهکار و پیشنهاد هستند. به طور کلی می‌توان گفت از بین پیشنهادها ارائه شده در زمینه احساس امنیت اجتماعی زنان ۲۴ درصد در سطح ملی، کلان و کشوری، ۵۷/۵ درصد در سطوح میانی، منطقه‌ای، استانی و نهادی و ۲۱ درصد در سطح خرد و فردی ارائه شده‌اند.

جدول ۷: توزیع فراوانی و درصدی تحقیقات مرور شده بر حسب راهکارهای ارائه شده

نمونه	درصد از مقاله ۳۳	فراوانی	سطح راهکارها
- وضع قوانین و مجازات‌های جدی برای عاملان ایجاد ناامنی در جامعه			
- بازنگری کلی در سیاست‌های کلی نظام اجتماعی به ویژه سیاست‌های دولتی	۲۴	۸	ملی و کشوری
- فراهم کردن شرایط اقتصادی مناسب مثل اشتغال، توزیع عادلانه درآمد			
- اختصاص بخشی از محصولات فرهنگی و هنری نهادهایی مثل صدا و سیما و وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی به تعالی امنیت			
- واگذاری بخشی از وظیفه تعالی امنیت اجتماعی به سازمان‌های مردم نهاد			
- طراحی مناسب شهری و روشنایی محیط‌های عمومی در شهر	۵۷/۵	۱۹	میانی - سازمانی و منطقه‌ای
- ساماندهی مسافرکش‌های شخصی در شهر			
- گشت‌های ویژه در محلات جرم‌خیز و پر رفت و آمد			
- تشکیل اتاق‌های فکر برای پایش امنیت با حضور متخصصان رشته‌های مختلف			
- مشارکت بیشتر بانوان در جامعه برای مقابله با عوامل ناامن			
- افزایش شبکه‌های اجتماعی افقی امنیت بخش به اعضای خود	۲۱	۷	خرد - فردی
- خودداری بانوان از سوار شدن خودروهای شخصی و تردد در مکان‌های جرم‌خیز			
	۱۵	۵	فاقد راهکار

اندازه اثر هر یک از متغیرهای حاضر در فرضیه‌ها

جدول ۸، نه مورد از بیشترین اندازه‌های اثر متغیرهای مؤثر بر احساس امنیت اجتماعی زنان را نشان می‌دهد. در متغیر استفاده از رسانه‌های جمعی، نتایج آزمون ناهمگونی حکایت از معناداری این آزمون دارد، که نشان می‌دهد مطالعات تا حد زیادی ناهمگون هستند، تلفیق آن‌ها با مدل آثار ثابت موجه نیست و باید از مدل آثار تصادفی به منظور ترکیب نتایج استفاده کرد. در واقع، این آزمون به ما می‌گوید که ۸ فرضیه مربوط به رابطه استفاده از رسانه‌های جمعی و احساس امنیت اجتماعی زنان، به شدت به لحاظ ویژگی‌ها و مشخصه‌های مطالعات متفاوت هستند. نتایج اثرات تصادفی نشان می‌دهد که رابطه استفاده از رسانه‌های جمعی و احساس امنیت اجتماعی زنان، در ۸ فرضیه بررسی شده معادل ۰/۴۸، مثبت و معنادار است. با توجه به جدول تفسیر اندازه اثر کوهن (جدول ۱)، اندازه اثر بین استفاده از رسانه‌های جمعی و احساس امنیت اجتماعی زنان در ۸ مطالعه در حد متوسط است. معناداری در آزمون ناهمگونی رابطه دینداری و احساس امنیت اجتماعی زنان در ۷ مطالعه، حکایت از این دارد که مطالعات تا حد ناهمگون هستند، تلفیق آن‌ها با مدل آثار تصادفی موجه است. نتایج اثرات ترکیبی تصادفی نشان می‌دهد که رابطه دینداری و احساس امنیت اجتماعی زنان در ۷ فرضیه حدود ۰/۳۹، مثبت و معنادار بود. با توجه به جدول کوهن می‌توان نتیجه گرفت که اندازه اثر ترکیبی دینداری و احساس امنیت اجتماعی زنان در ۷ مطالعه در حد متوسط است. در متغیر حجاب و پوشش مناسب، معناداری در آزمون ناهمگونی نشان می‌دهد که مطالعات تا حدی ناهمگون هستند، تلفیق آن‌ها با مدل آثار تصادفی موجه است. نتایج اثرات تصادفی ثابت نشان می‌دهد که رابطه حجاب و پوشش مناسب و احساس امنیت اجتماعی زنان، در ۶ فرضیه بررسی شده معادل ۰/۳۸، مثبت و معنادار است. با توجه به جدول تفسیر اندازه اثر کوهن، این اندازه اثر در حد متوسط قرار دارد.

معناداری در آزمون ناهمگونی رابطه اعتماد اجتماعی و احساس امنیت اجتماعی زنان در ۸ مطالعه حکایت از این دارد که مطالعات تا حدی ناهمگون هستند، تلفیق آن‌ها با مدل آثار تصادفی موجه است. نتایج اثرات ترکیبی تصادفی نشان می‌دهد که رابطه اعتماد اجتماعی و احساس امنیت اجتماعی زنان در ۸ فرضیه حدود ۰/۳۲، مثبت و معنادار بود. با توجه به جدول

کوهن می‌توان نتیجه گرفت که اندازه اثر ترکیبی اعتماد اجتماعی و احساس امنیت اجتماعی زنان در ۸ مطالعه در حد متوسط است. در متغیر پایگاه عملکرد پلیس، معناداری در آزمون ناهمگونی نشان می‌دهد مطالعات تا حدی ناهمگون هستند. نتایج اثرات تصادفی نشان می‌دهد که رابطه عملکرد پلیس و احساس امنیت اجتماعی زنان، در ۳ فرضیه بررسی شده معادل ۰/۱۹ مثبت و معنادار است. با توجه به جدول تفسیر اندازه اثر کوهن، این اندازه اثر در حد ضعیف قرار دارد. در متغیر حمایت اجتماعی، معناداری در آزمون ناهمگونی نشان می‌دهد مطالعات تا حدی ناهمگون هستند، تلفیق آن‌ها با مدل آثار تصادفی موجه است. نتایج اثرات ترکیبی تصادفی نشان می‌دهد که رابطه حمایت اجتماعی و احساس امنیت اجتماعی زنان در ۷ فرضیه حدود ۰/۱۵، مثبت و معنادار بود. با توجه به جدول کوهن می‌توان نتیجه گرفت که اندازه اثر ترکیبی حمایت اجتماعی و احساس امنیت اجتماعی زنان در ۷ مطالعه در حد ضعیف است.

جدول ۸: یافته‌های فراتحلیل پژوهش با ترکیب اندازه اثر به روش اشمیت و هانتز

آماره متغیرهای مرتبط	تعداد مطالعه	اثرات ترکیبی ثابت	اثرات ترکیبی تصادفی	فاصله اطمینان اثرات ثابت	فاصله اطمینان اثرات تصادفی	آزمون همگنی	درجه آزادی
استفاده از رسانه‌های جمعی	۸	۰/۴۱*	۰/۴۷*	۰/۳۸-۰/۴۴	۰/۲۴-۰/۶۴	۳۸۷/۳*	۷
دینداری	۷	۰/۳۱*	۰/۳۹*	۰/۲۷-۰/۳۴	۰/۱۱-۰/۶۱	۳۵۲/۷*	۶
حجاب و پوشش مناسب	۶	۰/۴۰*	۰/۳۸*	۰/۳۷-۰/۴۳	۰/۲۴-۰/۴۸	۷۹/۴*	۵
اعتماد اجتماعی	۸	۰/۳۰*	۰/۳۱*	۰/۲۷-۰/۳۳	۰/۱۴-۰/۴۸	۲۰۹/۱*	۷
عملکرد پلیس	۳	۰/۱۸*	۰/۱۹*	۰/۱۲-۰/۲۴	۰/۰۲-۰/۳۵	۱۶/۲*	۲
حمایت اجتماعی	۷	۰/۱۴*	۰/۱۵*	۰/۱۰-۰/۱۸	۰/۰۵-۰/۲۶	۳۸/۶*	۶

* به معنای سطح معناداری کم‌تر از ۰/۰۵ و معناداری است.

بحث و نتیجه‌گیری

مقوله امنیت یکی از مسائل مهم در ارتباط با سیاست داخلی یک کشور است و این مسأله به طور خاص، تعامل شهروندان با یکدیگر و میزان رضایت مردم از مسئولان و دستگاه‌های اجرایی، به خصوص دستگاه‌های قضایی را تحت تأثیر قرار می‌دهد. به نظر می‌رسد توجه به این موضوع به عنوان یک آسیب اجتماعی بر همه ابعاد زندگی زنان تأثیر خواهد گذاشت، دارای اهمیت زیادی است. به دلیل اهمیت احساس امنیت اجتماعی زنان در چند دهه گذشته در جامعه ایران، تحقیقات زیادی در این حوزه انجام شد. فراوانی و تنوع تحقیقات انجام شده و نتایج متناقض حاصل از آن‌ها و نداشتن یافته واحد از یک سو، ممکن است، این تصور را ایجاد کند که اجرای این تحقیقات بیهوده است و موجب اتلاف هزینه هنگفتی می‌شود و از سوی دیگر جامعه علمی و سیاست‌گذاران را دچار ابهام می‌کند. لذا تحقیق حاضر با استفاده از رویکرد ترکیبی به تحقیقات حوزه امنیت اجتماعی، درصدد بررسی عوامل مؤثر بر احساس امنیت اجتماعی زنان در تحقیقات مرور شده در این حوزه است.

نتایج مرور نظامند نشان داد که ۴۲ درصد از تحقیقات انجام شده مورد بررسی با دو نویسنده انجام شده است و این مقدار دارای بیشترین میزان است. روش توصیفی-تحلیلی به عنوان شایع‌ترین روش مطالعه در تحقیقات مرور شده مطرح بود. طبق نتایج تحقیق ۲۴ درصد از تحقیقات مرور شده بر روی زنان تهران تمرکز کردند که این دارای بیشترین میزان است. همچنین ۹۳ درصد از تحقیقات مرور شده در زمینه احساس امنیت اجتماعی زنان دارای مبانی نظری هستند. متغیرهای استفاده از رسانه‌های جمعی و اعتماد اجتماعی با ۸ مورد بیشترین میزان حضور در فرضیه‌ها را به خود اختصاص داده‌اند. همچنین ۴۳ درصد از تحقیقات مرور شده در زمینه احساس امنیت اجتماعی زنان از نظریه بوزان استفاده کردند. از بین پیشنهادهای ارائه شده در زمینه احساس امنیت اجتماعی زنان ۲۴ درصد در سطح ملی، کلان و کشوری، ۵۷/۵ درصد در سطوح میانی، منطقه‌ای، استانی و نهادی و ۲۱ درصد در سطح خرد و فردی ارائه شده‌اند. در یک جمع‌بندی از راهکارها می‌توان گفت که:

- اکثر راهکارها نمایشی از یافته‌های پژوهش نیست، تعداد پیشنهادات زیاد است و ارتباط مشخص و منطقی بین آن‌ها وجود ندارد.
- بسیاری از راهکارها با اهداف تحقیق ربط منطقی ندارند.

• راهکارها به طور اعم مبهم، کلی و اجرانشدنی هستند.

نتایج فراتحلیل نشان می‌دهد که رابطه استفاده از رسانه‌های جمعی و احساس امنیت اجتماعی زنان، در ۸ فرضیه بررسی شده معادل ۰/۴۸، مثبت و معنادار و در حد متوسط است. همچنین نتایج اندازه اثرات ترکیبی حکایت از این دارد که دینداری و احساس امنیت اجتماعی زنان در ۷ فرضیه، رابطه‌ای برابر ۰/۳۹ و در حد متوسط دارند. رابطه حجاب و پوشش مناسب و احساس امنیت اجتماعی زنان، در ۶ فرضیه بررسی شده معادل ۰/۳۸، مثبت و معنادار و متوسط است. نتایج اندازه اثرات ترکیبی بیان‌کننده این است که رابطه اعتماد اجتماعی و احساس امنیت اجتماعی زنان در ۸ فرضیه رابطه‌ای برابر ۰/۳۲ و در حد متوسط دارند. رابطه عملکرد پلیس و احساس امنیت اجتماعی زنان، در ۳ فرضیه بررسی شده معادل ۰/۱۹، مثبت و معنادار و در حد ضعیف است. نتایج اندازه اثرات ترکیبی بیان‌کننده این است که رابطه حمایت اجتماعی و احساس امنیت اجتماعی زنان در ۷ فرضیه حدود ۰/۱۵، مثبت و معنادار و در حد ضعیف بود.

به‌طورکلی نتایج این بررسی نشان داد که چهار متغیر بر احساس امنیت اجتماعی زنان در ایران، تأثیر متوسطی دارند. مؤید این ادعا، اندازه اثرات ترکیبی عوامل مؤثر بر احساس امنیت اجتماعی زنان در تحقیقات مرور شده در ایران بود. نتایج تحقیق نشان داد که استفاده از رسانه‌های جمعی، دینداری، حجاب و پوشش مناسب و اعتماد اجتماعی، به نسبت سایر متغیرها، تأثیر زیادی بر احساس امنیت اجتماعی زنان در ایران دارد که این تأثیر در نظریات گیدنز، بوزان و ویور و کلمن پیش‌بینی می‌شد. گیدنز تأکید داشت که با افزایش روند جهانی شدن و قرار گرفتن فرد در روند جهانی شدن با استفاده از رسانه‌های جمعی مثل تلویزیون، ماهواره و اینترنت، امنیت اجتماعی او کاهش یابد. از طرف دیگر هم می‌توان استدلال کرد که تلویزیون با توجه به ارائه و آموزش اصول و عقایدی شبیه به اصول و عقاید سازمان‌های رسمی و غیررسمی در کشور و فاصله کم‌تر زمانی و مکانی به افراد جامعه، به افزایش احساس امنیت اجتماعی منجر شود. نتایج تحقیق حاضر هم حکایت از رابطه مثبت و معنادار بین استفاده از رسانه‌های جمعی با احساس امنیت اجتماعی زنان دارد.

از نظر بوزان، امنیت اجتماعی به استمرار شرایط قابل قبول برای تکامل الگوهای سنی زبان،

فرهنگ، مذهب و هویت‌های جمعی اشاره دارد. همچنین امنیت اجتماعی به ظرفیت یک جامعه برای حفاظت از ویژگی‌های ضروری خود در مقابله با محیط اطراف و تهدیدات احتمالی اشاره دارد. این امنیت زمانی به خطر می‌افتد که جامعه آن خطر را خطری برای هویت جمعی خود بدانند. از نظر ویور، اجتماعات مذهبی، به عنوان گروه‌های خودکفا، می‌توانند یک مرجع امنیت اجتماعی باشند. به اعتقاد ایشان، جمع‌های مذهبی قوی، هم از اجتماعات مذهبی و هویت‌هایشان و هم از مذهب در برابر تهدیدات دفاع می‌کنند. در همین راستا، طبق این نظریات می‌توان انتظار داشت که زنانی که هویت مذهبی بیشتری دارند و به اجتماعات مذهبی تعلق بیشتری نشان می‌دهند، کم‌تر احساس بی‌امنیتی می‌کنند. نتایج تحقیق حاضر هم حکایت از رابطه مثبت و معنادار بین دینداری و حجاب و پوشش مناسب با احساس امنیت اجتماعی زنان دارد.

از نظر کلمن، سرمایه اجتماعی نوعی ویژگی تسهیل‌کنندگی در روابط اجتماعی دارد، وجود سرمایه اجتماعی در ساختارهای اجتماعی باعث می‌شود تا محیطی خلق شود که در آن امنیت بیشتری برقرار شود؛ به نحوی که انسان‌ها آرامش داشته باشند و در روابط تعاملی خود با دیگران با کم‌ترین اصطکاک تنش‌های خود را برطرف کنند. بنابراین، با توجه به اینکه اعتماد اجتماعی یکی از ابعاد مهم سرمایه اجتماعی است، انتظار می‌رود که اعتماد اجتماعی هم به افزایش امنیت اجتماعی منجر شود. در راستای همین نظریه، نتایج تحقیق حکایت از رابطه مثبت و معنادار بین اعتماد اجتماعی و احساس امنیت اجتماعی زنان دارد.

با توجه به یافته‌های پژوهش، برخی از نواقص تحقیقات مرور شده و پیشنهادات برای تحقیقات آتی در زمینه احساس امنیت اجتماعی زنان به شرح زیر هستند:

- با توجه به موضوع تحقیق، در بخش مبانی نظری تحقیقات مرور شده، انتظار بیشتری برای مرور نظریات فمینیستی این حوزه وجود داشت. بنابراین، به محققان آینده در این حوزه تحقیقی پیشنهاد می‌شود که به نظریات حوزه احساس امنیت زنان از نگاه فمینیستی توجه بیشتری کنند.
- تعداد اندکی از تحقیقات مرور شده در زمینه احساس امنیت اجتماعی زنان با روش کیفی و میدانی صورت گرفته‌اند. بنابراین، پیشنهاد می‌شود که تحقیقات آینده در زمینه

- احساس امنیت اجتماعی زنان با استفاده از روش کیفی انجام شوند.
- بیشتر راهکارهای ارائه شده کلی، مبهم اجرانشدنی هستند و در بیشتر موارد تناسبی میان راهکارهای ارائه شده با اهداف تحقیق وجود ندارد که به محققان بعدی در این حوزه پیشنهاد می شود که تناسبی بین اهداف و نتایج تحقیق با راهکارهایی ارائه شده برقرار کنند.
 - سطح تحلیل اکثر مطالعات مرور شده در زمینه احساس امنیت اجتماعی زنان، خرد است و با توجه به ریشه های ساختاری و کلان هر مسأله اجتماعی لازم است تحقیقات بیشتری با واحد تحلیل فراتر از فرد انجام شود.



منابع

- احمدی، آرمان و احیایی، پویان (۱۳۹۳). بررسی میزان احساس امنیت اجتماعی و عوامل مرتبط با آن (مورد مطالعه: زنان شهرک باغ‌میشه شهر تبریز)، فصلنامه دانش انتظامی آذربایجان شرقی، ۴(۳): ۳۵-۶۰.
- احمدی، محمد و کلدی، علیرضا (۱۳۹۲). احساس امنیت اجتماعی زنان و عوامل اجتماعی مؤثر بر آن؛ شهر سنندج، فصلنامه رفاه اجتماعی، ۱۳(۴۹): ۳۰۵-۳۲۱.
- احمدی، یعقوب و اسمعیلی، عطا (۱۳۸۹). سنجش احساس امنیت زنان مبتنی بر عوامل چند بعدی و میان رشته‌ای در شهر مشهد، فصلنامه جامعه‌شناسی کاربردی، ۲۱(۲): ۱۶۹-۱۹۰.
- امین بیدختی، علی اکبر و شریفی، نوید (۱۳۹۲). دینداری و سرمایه اجتماعی حامی امنیت اجتماعی، فصلنامه مطالعات امنیت اجتماعی، ۳۳(۳): ۴۷-۶۹.
- افراسیابی، حسین، پورخرم، یاسین و ممبینی، سجاد (۱۳۹۴). عوامل اجتماعی- فرهنگی مرتبط با احساس امنیت، فصلنامه مطالعات اجتماعی ایران، ۹(۱): ۲۴-۴.
- الیاسی، محمد حسین (۱۳۸۵). سنجش میزان تأثیر نشریات زرد در کاهش احساس امنیت و سلامت روانی زنان تهرانی، مجله امنیت، ۵(۱ و ۲): ۵۳-۷۱.
- امینی، اشرف و جاراللهی، عذرا (۱۳۹۳). رابطه پایگاه اجتماعی-اقتصادی و احساس امنیت زنان متأهل شهر شیراز، فصلنامه پژوهش‌های انتظامی - اجتماعی زنان و خانواده، ۲(۲): ۱۵۶-۱۷۱.
- پوراحمد، احمد، عیوضلو، محمود و حامد، محبوبه (۱۳۹۱). بررسی رابطه دینداری و احساس امنیت در فضاهای شهری و روستایی (مورد مطالعه: شهرستان کوه‌دشت)، فصلنامه پژوهش‌های کاربردی امنیت و نظم اجتماعی، ۱(۱): ۱-۲۰.
- تاجیک، محمدرضا (۱۳۸۴). مداخلی بر امنیت اجتماعی، امنیت اجتماعی شده، مجموعه مقالات همایش امنیت اجتماعی، تهران: گلپونه.
- تازیکی، طلعت (۱۳۹۳). عوامل مؤثر بر افزایش احساس امنیت زنان در پارک‌های شهر (مطالعه

- موردی زنان ۵۰ - ۱۸ سال شهرستان بجنورد)، فصلنامه دانش انتظامی خراسان شمالی، (۱)۱: ۱۱۱-۱۳۶.
- ترابی، یوسف و گودرزی، آیت (۱۳۸۲). ارزش‌ها و امنیت اجتماعی، مجموعه مقالات همایش امنیت اجتماعی، تهران: معاونت اجتماعی ناجا.
- جمالی، هاجر و شایگان، فریبا (۱۳۹۰). نقش تاکسی بی‌سیم بانوان بر احساس امنیت زنان تهرانی، فصلنامه مطالعات مدیریت انتظامی، ۶(۱): ۹۵-۱۱۴.
- جهانگیری، جهانگیر، مساوات، ابراهیم (۱۳۹۲). بررسی عوامل مؤثر بر امنیت اجتماعی زنان: مورد مطالعه زنان ۴۰-۱۵ ساله شهر شیراز، فصلنامه پژوهش‌های راهبردی امنیت و نظم اجتماعی، ۲(۲): ۴۱-۵۵.
- حبی، اکرم (۱۳۸۸). هویت اجتماعی و احساس امنیت (مطالعه موردی زنان شهر تبریز)، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، تبریز: دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تبریز.
- حقیقتیان، منصور (۱۳۹۲). احساس امنیت زنان و برخی عوامل اجتماعی مؤثر بر آن (مورد مطالعه: زنان شهر اصفهان)، مطالعات جامعه‌شناختی شهری، ۴(۱۰): ۷۱-۵۳.
- حیدری، آرمان. طالبی، سمیه و افشار، زینب (۱۳۹۲). نابرابری‌های منطقه‌ای امنیت (مورد مطالعه: زنان ۱۵ سال به بالای شهر یاسوج)، فصلنامه پژوهش‌های راهبردی امنیت و نظم اجتماعی، ۲(۱): ۹۱-۱۰۸.
- خواجه نوری، بیژن و کاوه، مهدی (۱۳۹۲). مطالعه رابطه بین مصرف رسانه‌ای و احساس امنیت اجتماعی، فصلنامه پژوهش‌های راهبردی امنیت و نظم اجتماعی، ۲(۲): ۷۸-۵۷.
- ربانی، رسول و همکاران (۱۳۹۲). مطالعه جامعه‌شناختی تأثیر سرمایه اجتماعی بر احساس ناامنی زنان با کاربرد ایموس گرافیک (مطالعه موردی دانشجویان دختر دانشگاه اصفهان)، فصلنامه پژوهش‌های راهبردی امنیت و نظم اجتماعی، ۲(۱): ۵۲-۲۵.
- رستگار، خدیجه و همکاران (۱۳۹۴). بررسی رابطه احساس امنیت اجتماعی و نظارت (طبیعی و غیر طبیعی) با سلامت اجتماعی در میان زنان ۱۸ سال به بالای ساکن شهر شیراز، فصلنامه زن و جامعه، ۶(۳): ۱۰۴-۷۹.

ساروخانی، باقر (۱۳۸۰). *درآمدی بر دایره المعارف علوم اجتماعی*، جلد ۲، تهران: کیهان. شارع پور، محمود، تقوی، سیده زینب و سلیمانی بشلی، محمدرضا (۱۳۹۱). بررسی جامعه شناختی احساس امنیت زنان در شهر آمل، *فصلنامه زن و مطالعات خانواده*، ۵(۱۷): ۱۰۶-۹۱.

شایگان، فریبا (۱۳۹۲). *دینداری و احساس امنیت (مطالعه موردی دانش آموزان دختر شهر تهران)*، *فصلنامه برنامه ریزی رفاه و توسعه اجتماعی*، ۱۵(۱۵): ۱۷۹-۱۹۵. شربتیان، محمد حسن (۱۳۹۳). *سنجش ابعاد اجتماعی و روانی احساس امنیت زنان کلان شهر مشهد و عوامل مؤثر بر آن، زن و مطالعات خانواده، فصلنامه زن و مطالعات خانواده*، ۶(۲۳): ۱۰۰-۷۹.

شربتیان، محمد حسن، دانش، پروانه و احمدی، اعظم (۱۳۹۴). *مطالعات جامعه شناختی عوامل مؤثر بر امنیت اجتماعی زنان کلانشهر مشهد، فصلنامه زن و جامعه*، ۶(۳): ۱۴۳-۱۶۶. طاهری، زهرا. ربانی، رسول، ربانی و ادیبی سده، مهدی (۱۳۹۱). *رابطه نقش پلیس و احساس امنیت در شهر اصفهان سال ۱۳۸۸، فصلنامه پژوهش های راهبردی امنیت و نظم اجتماعی*، ۱(۱): ۲۸-۲۱.

فاضلیان، پورانداخت (۱۳۸۹). *بررسی رابطه نوع حجاب و میزان امنیت اجتماعی در بین زنان شهر تهران، فصلنامه پژوهش نامه زنان، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی*، ۱(۲): ۸۵-۸۶.

فرشادفر، یاسمین و نیازی، محسن (۱۳۹۳). *رابطه دینداری و احساس امنیت اجتماعی در بین زنان مناطق شمال و جنوب شهر تهران، فصلنامه معرفت*، ۲۳(۱۹۲): ۹۴-۸۱. قدرتی، حسین، سردارنیا، خلیل اله، ملتفت، حسین و برشد، عبدالمهدی (۱۳۸۸). *احساس امنیت اجتماعی، شبکه های اجتماعی و نهادهای نظم و قانون، فصلنامه انتظام اجتماعی*، ۱(۴): ۷-۲۶.

کامران، فریدون و عبادتی نظری، سمیه (۱۳۸۹). *بررسی عوامل اقتصادی اجتماعی مؤثر بر احساس آرامش و امنیت زنان دانشجوی کارشناسی ارشد جامعه شناسی دانشگاه های*

- تهران، فصلنامه پژوهش اجتماعی، ۳(۶): ۴۳-۵۶.
- گلی، علی (۱۳۹۰). زنان و امنیت در فضاهای عمومی شهری (مورد مطالعه: پارک آزادی شیراز)، فصلنامه جامعه‌شناسی تاریخی، ۳(۲): ۱۶۵-۱۴۳.
- گیدنز، آنتونی (۱۳۸۷). تجدد و تشخیص: جامعه و هویت شخصی در عصر جدید، مترجم ناصر موفقیان، تهران: نی.
- گیدنز، آنتونی (۱۳۸۶). جامعه‌شناسی، ترجمه حسن چاوشیان، تهران: نی.
- لهستانی‌زاده، عبدالعلی، هاشمی، سمیه، عربی، علی و روحانی، علی (۱۳۹۲). بررسی رابطه احساس امنیت و تمایل به سفرهای داخلی: مطالعه موردی دانشجویان دانشگاه تهران، فصلنامه علوم اجتماعی دانشگاه آزاد اسلامی شوشتر، ۲۰(۱): ۲۴-۱.
- متولی، رضا (۱۳۸۴). چشم‌انداز نظری سرمایه اجتماعی، فصلنامه مطالعات امنیت اجتماعی، شماره اول.
- مستوفی، اکرم (۱۳۹۲). بررسی رابطه هویت اجتماعی با احساس امنیت در زنان شهر تهران، دوفصلنامه مطالعات پلیس زن، ۷(۱۹): ۵۵-۷۷.
- محمدپور، مهری، شاکری‌نیا، ایرج (۱۳۹۴). رابطه نظم، احساس امنیت، دینداری و بهداشت روانی با رضایت شغلی زنان، فصلنامه پلیس زن، ۳(۱): ۳۰-۱۰.
- محمدی، جواد، بگیان، محمدجواد و موسوی، سیدسهراب (۱۳۹۱). بررسی رابطه احساس امنیت اجتماعی با کیفیت زندگی زنان شهر کرمانشاه، فصلنامه مطالعات امنیت اجتماعی، ۳(۳): ۱۵۶-۱۴۳.
- موحد، مجید و همت، صغری (۱۳۹۲). مطالعه عوامل فرهنگی و اجتماعی مرتبط با احساس امنیت اجتماعی زنان، فصلنامه زن و جامعه، ۴(۲): ۸۲-۵۵.
- نجات، سید امیررضا و یاوری، علیرضا (۱۳۸۸). شاخص‌های عملکرد انتظامی (امنیت اجتماعی)، دو ماهنامه توسعه انسانی پلیس، ۶(۲۷): ۱۴۳-۱۶۶.
- نصری، قدیر (۱۳۸۱). معنا و ارکان جامعه‌شناسی امنیت، فصلنامه راهبرد، ۲۶(۲۶): ۴۵۵-۴۸۶.
- نوروزی، فیض‌اله و فولادی سپهر، سارا (۱۳۸۸). بررسی احساس امنیت زنان ۱۵-۲۹ ساله شهر

- تهران در دو بعد احساس امنیت زنان در محیط خانواده و احساس امنیت در مکان‌های عمومی، فصلنامه راهبرد، (۵۳): ۱۲۹-۱۵۹.
- نوروزی، فیض اله و فولادی سپهر، سارا (۱۳۸۸). بررسی احساس امنیت زنان ۱۵-۲۹ ساله شهر تهران در دو بعد احساس امنیت در محیط خانواده و احساس امنیت در مکان‌های عمومی، فصلنامه تحقیقات علوم اجتماعی ایران، ۱(۳): ۷۲-۵۵.
- نوبدینیا، منیژه (۱۳۸۲). درآمدی بر امنیت اجتماعی، فصلنامه مطالعات راهبردی، (۱۹): ۷۶-۵۵.
- نوبدینیا، منیژه (۱۳۸۵). تأملی نظری در امنیت اجتماعی؛ با تأکید بر گونه‌های امنیت، فصلنامه مطالعات راهبردی، ۹(۳۱): ۷۲-۵۳.
- نوبدینیا، منیژه (۱۳۸۸). چشم انداز پلیس، امنیت و سرمایه اجتماعی، فصلنامه مطالعات راهبردی، ۱۲(۴۴): ۴۴-۲۹.
- نیازی، محسن، شقائی مقدم، الهام و فرشادفر، یاسمین (۱۳۹۰). بررسی رابطه بین میزان سرمایه اجتماعی و احساس امنیت اجتماعی در بین زنان مناطق شمال (۱ و ۲) و جنوب شهر (۱۹ و ۲۰) تهران، فصلنامه مطالعات جامعه شناختی جوانان، ۲(۳): ۱۶۰-۱۳۱.
- هزار جریبی، جعفر و صفری شالی، رضا (۱۳۸۸). بررسی رضایت از زندگی و جایگاه احساس امنیت در آن (مطالعه در بین شهروندان تهرانی)، فصلنامه انتظام اجتماعی، ۱(۳): ۲۸-۷.
- Afrasiabi, H., Poorkhoram, Y. & Mombayni, S. (2015). Socio-Cultural Factors Affecting Feeling of Social Security, *Journal of Iran Social Studies*, 9(1):4-24.
- Ahmadi, Y., Esmaeeli, A. (2010). Evaluation of Women's Social Security Feeling based on Multi-Dimensional & Cross-Disciplinary Factors in Mashhad. *Applied Sociology Quarterly*, 21 (38): 169-190.
- Ahmadi, A. & Ehyai, P. (2015). An Investigation of the Rate of Social Security Feeling & Related Factors (Case Study: Woman Living in Baghmisheh Town in Tabriz). *Journal of Police Science of Eastern Azarbajejan*, 4(3): 35-60.
- Ahmadi, M. & Kaldi, A. (2013). Social Security Feeling in Women & its Effective Social Factors. *Journal of Social Welfare*, 13(49): 305-321.
- Amin Beidokhti, A., Sharifi, N. (2013). Religiosity & the Social Capital Supporting Social Security. *Social Security Studies Quarterly*, 33, 69 -47.
- Amini, A. & Jarallahi, A. (2014). Relationship between Socio-Economic Status & Sense of Security among Married Women In Shiraz. *Journal of Police – Sociological Researches on Women & Family*, 2(2):156-171.

- Bilgin, P., Booth, K. & Jones, R. W. (1998). Security Studies: The next Stage?, *Inverno*, 48(2): 131-157.
- Borenstein, M., Hedges, L. V., Higgins, J. P. T. & Rothstein, H. R. (2009). *Introduction to Meta-Analysis*. Hoboken, NJ: Wiley.
- Burrowes, R.J. (1996). *The Strategy of Non-Violent Defense: A Gandhian Approach*. USA: University of New York press.
- Cohen, J. (1988). *Statistical Power Analysis in the Behavioral Sciences*. Hillsdale, NJ: Erlbaum.
- Coleman, J.S. (1988). Social Capital in the Creation of Human Capital. *American Journal of Sociology*, 95- 120.
- Elyasi M .M. (2006). Evaluation of the Impact of Publications on the Reduction of Security Feeling & Mental Health among the Women Living in Tehran. *Security Quarterly*, 5(1-2): 53-72.
- Farshadfar Y. & Niazi M (2014). A Study of the Relationship between Religiosity & Social Security Feeling among the Women Living in the North & South of Tehran. *Marefat*, 23(199): 81-94.
- Fazelian, P. (2009). The relationship between the Veil Type & Social Security Level among the Women Living in Tehran. *Women's Research Studies*, 1(2): 65-86.
- Giddens, A. (2007). *Sociology*. translated by Hassan Chavoshian, Tehran: Ney.
- Giddens, A. (2008). *Modernity & Dignity: Community & Personal Identity in Modern Times*. translated by Nasser Mofaghyan, Tehran: Ney.
- Ghodrati, H. et all. (2009). Social Security Feeling, Social Networks & Institutions of Law & Order. *Journal of Social Research*, 1(4): 7-26.
- Goli, A. (2011). Women & Security in Urban Public Spaces (Case Study: Shiraz Azadi Park). *Journal of Historical Sociology*, 3(2): 143-165.
- Gerebner, G. (1994). *Cultivation Theory: Cultural Indicators Project*. Available at <http://nimbus.temple.edu/ggerbner/cihtml>.
- Haghighatiyan, M. (2013). Woman's Social Security & Some Effective Social Factors (Case Study: Women Living in Esfahan City). *Journal of Urban Sociological Studies*, 4(10): 53-71.
- Harison, R. (1993). *Democracy*. London & New York: Routledge.
- Hobi, A. (2009). *Social Identity & Feeling Security (A Case Study of the Women Living in Tabriz)*, Master's Thesis, Faculty of Social Sciences, Tabriz University.
- Heydari, A., Talebi, S. & Afshar, Z. (2013). Regional Disparities of Security (Case Study: 15-Year-Old Women Living in Yasuj City). *Journal of Strategic Studies on Security & Social Order*, 2(5): 91-108.
- Hezarjaribi, G. & Safari Shali, R. (2009). A Study of the Relation of Life Satisfaction with Sense of Security. *Journal of Social Discipline*, 1(3): 7-28.
- Jahangiri, J. & Mosavat, E. (2013). An Evaluation of the Factors Affecting Woman's Social Security (Case Study: Women Living in Shiraz City). *Journal of Strategic Studies on Security and Social Order*, 6(2): 41-55.

- Jamali, H. & Shaygan, F., (2011). The Role of Using Woman's Wireless Taxi on Establishing a Feeling of Security among Women in Tehran. *Journal of Police Management Studies Quarterly*, 6(1): 95-114.
- Khajenoori, B. & Kaveh, M. (2013). The Relationship between Media Usage & Social Security Feeling. *Journal of Strategic Studies on Security & Social Order*, 6(2): 57-78.
- Kamran, F., Ebadati-Nazarloo, S. (2009). An Investigation of the Socio-Economic Factors Affecting the Feeling of Peace & Security in M.A. Female Students Studying Sociology at Tehran Universities. *Journal of Social Research*, 3(6): 43-56.
- Lahsai Zadeh, A., Hashemi, S., Arabi, A, Rohani, A. (2013). A Survey of the Relationship between Sense of Security & the Desire to Make Domestic Trips (A Case Study of University of Tehran's Students). *Journal of Social Sciences of Islamic Azad University Shushtar Branch*, 20, 1-24 .
- Lipsey, M. W. & Wilson, D. B. (2001). *Practical Meta-Analysis*. Thousand Oaks, CA: Sage.
- Littell, J. H., Corcoran, J. & Pillai, V. (2008). *Systematic Reviews & Meta-Analysis*. New York: Oxford University Press.
- Mcleod, S. (2014). *Maslow's Hierarchy of Needs*. Available at <http://www.simplypsychology.org/maslow.html>.
- Mohammadi, J., Begyan, M.J. & Mousavi S. (2012). Evaluation of the Relationship between Social Security & Women's Quality of Life in Kermanshah City. *Journal of Social Security Studies*, 31, 143-156.
- Mohammadpoor, M. & Shakerinia, E. (2015). The Relationship between Order, Sense of Security, Religiosity & Mental Health With the Women's Job Satisfaction. *Female Police Studies*, 3(4): 10-30.
- Moller, B. (2000). National, Societal & Human Security Discussion; Case study of the Israel – Palestine Conflict. *Centre for European Policy Studies*, Brussels, 277-288.
- Motevali, R. (2005). A Theoretical Perspective of Social Capital. *Journal of Social Security Studies*, 1.
- Mostofi, A. (2013). A Survey of the Relationship between Social Identity & Sense of Security among Tehrani Women. *Female Police Studies Bi-quarterly*, 7(19): 55-77.
- Movahed, M., Hemmat, S. (2013). An Investigation of the Socio-Cultural Factors Affecting Women's Social Security Feeling. *Women & Society*, 4(2): 55-82.
- Nasri, M. (2002). Meaning & Fundamentals of the Sociology of Security. *Strategy*, 26, 455-486.
- Nejat, A.R. & Yavari, A. (February-March 2009). Police Performance Indicators (Social Security). *Bimonthly Journal of Police Human Development*, 6 (27): 125-

147.

- Navidnia, M. (2003). An Introduction to Social Security. *Journal of Strategic Studies*, 19, 55-76.
- Navidnia, M. (2006). A Theoretical Reflection on Social Security, with an Emphasis on Security Types. *Journal of Strategic Studies*, 31, 53-72.
- Navidnia, M. (2009). Police's Horizon: Security & Social Capital. *Journal of Strategic Studies*, 44, 29-44.
- Niazi, M., Sheghaghi Moghaddam, M. & Farshadfar, Y. (2011). An Investigation of the Relation Between Social Capital & Social Security Feeling among the Women Living in Northern (Districts 1-2) & Southern (Districts 19-20) Parts of Tehran. *Sociological Studies of Youth Journal*, 2(3): 131-160.
- Noroozi F. & Foadisepehr S. (2009). An Investigation of Security Feeling in Women Ranging 15-29 Years Old in Tehran from Two Perspectives of Sense of Security within the Family & in Public Places. *Iranian Journal of Social Studies*, 1(3): 55-72.
- Poorahmad, A., Eyvazloo, M. & Hamed, M. (2012). Investigation of the Relationship between Religiosity & Sense of Security in Urban & Rural Areas (Case Study: Kouhdasht City). *Journal of Strategic Studies on Security & Social Order*, 1(1): 1-20.
- Rabbani, R. et al. (2013). A Sociological Study of the Impact of Social Capital on Woman's Feeling of Insecurity through the Application of Graphical Amos (Case Study: Female Students of Esfahan University). *Journal of Strategic Studies on Security & Social Order*, 2(1): 25-52.
- Rastegar, Kh. et al (2015). Investigation of the Relationship between Social Security Feeling & Surveillance (Normal & Abnormal) with Social Health in Women Over 18 Years of Age Living in Shiraz City. *Woman & Family Studies Journal*, 6(3): 79-104.
- Saroukhani, B. (2001). *An Introduction to the Encyclopedia of Social Sciences*. Vol. II, Tehran: Kayhan.
- Sharbatian, M. H., Danesh, P. & Ahmadi, A. (2015). Sociological Studies of the Factors Affecting the Social Security of Women Living in Mashhad City. *Woman & Family Studies Quarterly*, 6(3): 143-166.
- Sharbatian, M.H. (2014). A Study of the Sociological & Emotional Impacts of Sense of Security on the Women Living in Mashhad City & the Effective Factors. *Woman & Family Studies Quarterly*, 6(23): 79-100.
- Sharepoor, M., et al (2012). A Sociological Study of Woman's Social Security Feeling in Amol. *Woman & Family Studies Journal*, 5(17): 91-106.
- Shaygan, F. (2013). Religiosity & Feeling Security (A Case Study of Female Students in Tehran.). *Journal of Social Development & Welfare Planning*, 4(15): 169-199.
- Taheri, Z., Rabbani, R. & Adibi Sadeh, M. (2012). The Relationship between the



- Role of Police & Sense of Security in Esfahan City. *Journal of Strategic Studies on Security & Social Order*, 1(1): 21-28.
- Tajyk, M.R. (2005). An Introduction to Social Security & Socialized Security. In the Proceedings of *Social Security Conference*. Tehran: Golponeh.
- Taziki, T. (2015). Factors Influencing Women's Sense of Security in City Parks (Case Study: 18-50 Year-Old Women Living in Bojnourd City). *Journal of Police Science of North Khorasan*, 1(1): 111-136.
- Torabi, Y. & Goudarzi, A. (2003). Values & Social Security. In the Proceedings of *Social Security Conference*. Tehran: Police Social Assistance.
- Wearver, O. (2000). *Societal Security*: available at [http://www. Ciaonet. Org/ book/hall/ hall01. Html](http://www.Ciaonet.Org/book/hall/hall01.html).



نویسندگان

ahmadmirtabar@gmail.com

سیداحمد میرمحمدتبار

دانشجوی دکترای جامعه‌شناسی، دانشگاه فردوسی مشهد، حوزه تخصصی ایشان مسائل اجتماعی، جامعه‌شناسی اقتصادی و توسعه و رسانه‌ها است. همچنین در حوزه روش تحقیق دارای یک کتاب با عنوان «فراتحلیل: مبانی و کاربردها» می‌باشند که در انتشارات دانشگاه فردوسی مشهد به چاپ رسیده است. از ایشان حدود ۲۰ مقاله علمی و پژوهشی در موضوعات مختلفی مثل هویت، آسیب‌های اجتماعی، بیکاری و جرم و مصرف رسانه ای به چاپ رسیده است.

majdi@um.ac.ir

دکتر علی اکبر مجدی

نویسنده مسئول: استادیار گروه علوم اجتماعی، دانشگاه فردوسی مشهد حوزه تخصصی ایشان جامعه‌شناسی روستایی، توسعه و سازمان‌ها است. از ایشان حدود ۱۰ مقاله علمی و پژوهشی در موضوعات مختلفی مثل هویت، گردشگری، امنیت، قانون گریزی و سالمندان به چاپ رسیده است.

leilibonyad@gmail.com

لیلی بنیاد

دانشجوی دکتری جامعه‌شناسی اقتصادی و توسعه، دانشگاه یزد حوزه تخصصی ایشان مطالعات زنان و جامعه‌شناسی اقتصادی و توسعه است. از ایشان دو مقاله با موضوع مدیریت بدن زنان و سبک زندگی جوانان در مجلات علمی پژوهشی به چاپ رسیده است.



Study of factors affecting women's sense of social security (Meta-analysis of existing research)

Seyed Ahmad Mirtabar¹
Ali Akbar Majdi²
Lili Bonyad³

Abstract

Subject: Security, especially in the field women, is one of the important issues in each country. In recent years, considering the importance of security in Iran, several studies have been conducted in this field. Due to the abundance of researches and diversity of findings and sometimes conflicting results, it is necessary to conduct a mixed research such as meta-analysis in order to summarize and conclude previous researches. The main question of this research is that what are the most important factors affecting women's sense of social security found in researches conducted in Iran? Method: The research method of this paper is meta-analysis. Population of the study is almost all scientific papers with subject of women's sense of social security that were published between 2001 and 2014. Finally, 33 papers were selected and analyzed using Comprehensive Meta-analysis software. Results: Results showed that the use of mass media, religiosity and suitable coatings and Hijab, compared to other variables, significantly impact on women's sense of social security in Iran. Relationship between use of mass media and women's sense of social security in the studies reviewed is positive and significant (effect size=0.47). Also relationship between religiosity and women's sense of social security in the studies reviewed is positive and significant (effect

1. PHD student in sociology, University of Mashhad

2. Assistant Professor of Department of Social Sciences, Ferdowsi University of Mashhad

3. PhD student in sociology, University of Yazd

DOI: 10.22051/jwsps.2017.9206.1161

Submit Date: 2016/4/6

Accept Date: 2017/3/13



size=0.39). Results showed that the combined effects of the relationship between suitable coatings and women's sense of social security in the reviewed studies was positive and significant (0.38).

Key words

Women; Social Security; Use of Mass Media; Religiosity; Meta-Analysis

